

حدیث ولایت در میراث مکتوب فریقین*

[حسین اسکندری^۱]

چکیده

باورمندان به نظریه نصب الهی امام و ابلاغ آن توسط نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای ادعای خلافت بلافصل امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، به احادیث منصوص از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ استناد جسته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها روایتی است که به حدیث ولایت شهرت یافته است. ما در این مقاله، به گونه‌شناسی محتوا، طرق و تنوع صدور این حدیث و احادیث همگون با آن خواهیم پرداخت.

حدیث ولایت و احادیث همگون آن، دارای چهل طریق از صحابه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است. از میان این طرق، سیزده طریق بین فریقین مشترک است؛ شش طریق به منابع اهل سنت و بیست و یک طریق به منابع شیعه اختصاص دارد که بعضی از آن‌ها از صحابه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بعضی دیگر نیز از اصحاب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نقل گردیده است.

در مجموع، تمامی این احادیث دارای نه گونه محتوایی و دوازده گونه صدور بوده که چهار گونه صدور آن مشترک بین فریقین و هشت گونه، مخصوص شیعه است. در این میان، سه حدیث همگون مستقل نیز وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: حدیث ولایت، گونه‌شناسی طرق، محتوا، تنوع صدور، میراث مکتوب.

* تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۵، تاریخ پذیرش: ۹۴/۱/۲۹.

۱. دانش آموخته حوزه علمیه قم و فارغ التحصیل مرکز تخصصی امامت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام.
eskandarihoseyn@yahoo.com

مقدمه

مسئله امامت، از مهم‌ترین مسائل مورد اختلاف بین فرقه‌های اسلامی است. امامیه، به نصب الهی امام و وجود نص بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام معتقد بوده و بر این باور است که ابلاغ امامت آن حضرت برای مردم، بارها توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت گرفته است. برخلاف اهل سنت که بعضی، وجود نص را به کلی منکرند و برخی دیگر، به وجود نص خفی آن هم برای ابوبکر قائل شده‌اند.

یکی از نصوص امامت امیرالمؤمنین علیه السلام، سخن صریح پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به ایشان است که فرمودند: «علی بعد از من ولی هر مؤمنی است». این تعبیر در موقعیت‌های مختلفی صادر شده که از مهم‌ترین آن‌ها، جریان فرستادن علی علیه السلام و خالد بن ولید به یمن در سال هشتم هجرت است.^۱ در جریان این سفر، خالد که نسبت به علی علیه السلام بغض و کینه داشت، بریده و چند نفر دیگر را، برای شکایت از علی علیه السلام خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد، با این مضمون که آن حضرت، کنیزی را از غنایم برای خود برداشته است! ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله به جای تأیید آن‌ها، از این شکایت غضبناک شده و در کلامی، به ولایت علی علیه السلام بعد از خود تصریح می‌کنند.

این روایت و احادیث شبیه آن را فریقین با اسناد صحیح در آثار مکتوب خویش منعکس کرده‌اند. دقت در این احادیث، صدور آن‌ها را در موقعیت‌های مختلف، توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشخص می‌سازد.

شایان ذکر است که فضای عمومی موضوع نوشتار پیش رو، با آنکه دارای سابقه پژوهش‌های مشابه از سوی برخی از اندیشمندان نامدار، چون علامه امینی در الغدیر،^۲

۱. زینی دحلان، احمد، السیرة النبویه، ۳۷۱/۲. زینی دحلان این جریان را مربوط به سال هشتم دانسته است. سخن وی، تلاش کسانی را که خواسته‌اند این جریان را با جریان غدیر مرتبط ساخته تا بگویند منظور پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر، دوستی و موالات علی علیه السلام بوده است، رد می‌کند.

۲. امینی، عبدالحسین، الغدیر، ۳۷۶/۱ و ۲۴۵/۳.

میرحامد حسین در عقبات الانوار و آیت الله میلانی در نفحات الازهار^۱ است؛ ولی نگارنده این سطور، نوشته درخوری پیرامون تطبیق بین روایات فریقین نیافته است. این نوشتار، ناظر به اثبات گونه‌های محتوا، طرق و تنوع صدور این حدیث و احادیث همگون آن، بر پایه آثار مکتوب فریقین بوده و صدور آن را از رسول خدا ﷺ در اثبات ولایت بلا فصل امیرالمؤمنین علیه السلام حتمی می‌داند.

حمل این گونه روایات بر مفهوم ولایت بر اساس معنای ظاهری و دیدگاه امامیه است؛ هم چنین اعتبار اجمالی مجموع این احادیث، پیش فرض در نظر گرفته شده است. **إن شاء الله** دلالت و اعتبار سنجی گونه‌ای و موردی این احادیث، در نوشتاری دیگر تقدیم خواهد شد.

۱- متن حدیث ولایت

حدثنا قُتَيْبَةُ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمَانَ الصُّبَيْعِيُّ عَنْ يَزِيدَ الرُّشَكِيِّ عَنْ مُطَرِّفِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ قَالَ: بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَيْشًا وَاسْتَعْمَلَ عَلَيْهِمَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَمَضَى فِي السَّرِيَّةِ فَأَصَابَ جَارِيَةً فَأَنْكَرُوا عَلَيْهِ وَتَعَاقَدَ أُزْبَعَةُ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوا: إِذَا لَقِينَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحْبَبْنَاهُ بِمَا صَنَعَ عَلِيٌّ - وَكَانَ الْمُسْلِمُونَ إِذَا رَجَعُوا مِنَ السَّفَرِ بَدَّوْا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ - ثُمَّ انْصَرَفُوا إِلَى رِحَالِهِمْ؛ فَلَمَّا قَدِمَتْ السَّرِيَّةُ سَلَّمُوا عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَامَ أَحَدُ الْأُزْبَعَةِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَلَمْ تَرَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَنَعَ كَذَا وَكَذَا؟ فَأَعْرَضَ عَنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ ثُمَّ قَامَ الثَّانِي فَقَالَ مِثْلَ مَقَالَتِهِ فَأَعْرَضَ عَنْهُ؛ ثُمَّ قَامَ الثَّلَاثُ فَقَالَ مِثْلَ مَقَالَتِهِ فَأَعْرَضَ عَنْهُ؛ ثُمَّ قَامَ الرَّابِعُ فَقَالَ مِثْلَ مَا قَالُوا فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْغَضَبُ يُعْرَفُ فِي

وَجْهَهُ فَقَالَ: مَا تُرِيدُونَ مِنْ عَلِيٍّ؟ مَا تُرِيدُونَ مِنْ عَلِيٍّ؟ مَا تُرِيدُونَ مِنْ عَلِيٍّ؟! إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَهُوَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي.
قال أبو عيسى: هذا حَدِيثٌ حَسَنٌ غَرِيبٌ^۱.

عمران بن حصین می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله [لشکری را به یمن فرستاد و علی [ع] را بر آن ها فرمانده کرد. بعد از پیروزی، علی [ع] کنیزی را از غنائم برداشت. عده ای این کار را زشت دانسته و چهار نفر از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله [ع] با هم تباہی کردند که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله [ع] را ملاقات کردند، از این عمل علی [ع] به ایشان خبر دهند - مسلمانان وقتی از سفر برمی گشتند ابتدا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله [ع] رفته و به ایشان سلام می دادند و بعد به منازل خود می رفتند - وقتی لشکر برگشت، آن چهار نفر خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله [ع] رسیده و بعد از عرض سلام به آن حضرت، یکی از آن ها گفت: آیا علی را نمی بینید که چنین و چنان کرده است؟! رسول خدا صلی الله علیه و آله [ع] از او روی گرداند؛ سپس نفردوم و سوم و چهارم یکی پس از دیگر بلند شده و همان شکایت را تکرار کردند. حضرت نیز از هر کدام روی برگرداند. بعد از شکایت نفر چهارم، رسول خدا صلی الله علیه و آله [ع] - در حالی که غضب از چهره شریفشان نمایان بود - سه مرتبه فرمودند: از علی چه می خواهید؟! علی از من است و من از علی؛ و او ولی هر مؤمنی بعد از من است.

این جریان را عالمان شیعه و اهل سنت با اسناد صحیح و تفاوت هایی در متن، نقل کرده اند. در غالب گزارش ها، شکایت کننده بریده بن حصیب و چند نفر دیگر که او را همراهی می کردند، نام برده شده اند که خالد بن ولید آن ها را بر این امر ترغیب کرده است.

۱. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن، ۶۳۲/۵.

۲. در برخی از منابع تصریح شده است که خالد بن ولید این چهار نفر را پیشاپیش دیگر مسلمانان برای شکایت از علی [ع] خدمت پیامبر اکرم [ع] فرستاده است. این امر نشانگر بغض و کینه بعضی از صحابه نسبت به علی [ع] است.

تصریح رسول خدا ﷺ به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در پی این ماجرا، به «حدیث ولایت» شهرت یافته و با گونه های مختلف محتوایی و طرق متعدد در آثار مکتوب فریقین منعکس شده است. تنوع صدور عین روایت یا مضمون آن در موقعیت های مختلف توسط رسول خدا ﷺ نشانگر اهمیت این گونه از معرفی حضرت علی علیه السلام به امامت و خلافت بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

۲- تنوع منابع حدیث

عالمان و محدثان زیادی از شیعه و سنی، به نقل این روایت و روایات همگون با آن پرداخته اند. در اینجا، به نام تعدادی از آن ها اشاره می کنیم.

۱-۲- نگاشته های اهل سنت

مسند طیالسی، المصنف ابن ابی شیبیه، مسند و فضائل الصحابه احمد بن حنبل، السنه ابن ابی عاصم، الأحاد والمثانی، سنن الکبری، المحاسن والمساوی، معجم الکبیر، المستدرک علی الصحیحین، الاستیعاب، اسد الغابه، فضائل الخلفاء الراشدين، ذخائر العقبی، تاریخ الاسلام، الوافی بالوفیات، البدایة والنهایه، مجمع الزوائد، فتح الباری فی شرح صحیح بخاری، و ...

آیت الله سید علی میلانی، در جلد ۱۵ و ۱۶ نفعات الازهار به بررسی این حدیث تحت عنوان «حدیث الولایه» پرداخته و نام ۶۵ نفر از بزرگان اهل سنت را که این حدیث را در آثار خود منعکس کرده اند، ثبت نموده اند.

۲-۲- نگاشته های شیعه

کتاب سلیم بن قیس، مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، تفسیر فرات کوفی، الکافی، تفسیر قمی، فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، الغیبه، شرح الاخبار فی الأئمه الاطهار، امالی شیخ مفید، بشاره المصطفی لشیعة المرتضی، امالی شیخ طوسی، الروضه فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، عمدة عیون صحاح الاخبار فی

الأئمة الاطهار، الطوائف في معرفة الطوائف، كشف الغمه، كشف اليقين في فضائل اميرالمؤمنين عليه السلام و... .

از آنجاکه در شیوه‌های بررسی احادیث، احصاء و استقصاء تمام میراث حدیثی، گام نخست به شمار می‌آید، بنابراین در این نوشتار مرحله اول را به جمع‌آوری تمام طرق اختصاص داده‌ایم.

۳- گونه شناسی طرق

حدیث ولایت و احادیث همگون آن، داری طرق بسیاری در آثار مکتوب فریقین هستند؛ بعضی از این طرق، مشترک و برخی اختصاص به هر یک از فریقین دارد که برای پرهیز از طولانی شدن و تکرار، در هر طریق یک منبع را ذکر، و دیگر منابع هر طریق را در قسمت متون روایات متذکر خواهیم شد.

۳-۱- طرق مشترک فریقین

طرق مشترک عبارت‌اند از: امام علی عليه السلام،^۱ امام حسن بن علی عليه السلام،^۲ امام حسین بن علی عليه السلام،^۳ بریده بن حصیب،^۴ عبدالله بن عباس،^۵ عمران بن حصین،^۶ ابن عمر،^۷ عمرو بن عاص،^۸ ابی لیلی

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ۸۳؛ خطیب بغدادی، أحمد بن علی، تاریخ بغداد، ۱۰۰/۵.
۲. طوسی، محمد بن الحسن، امالی، ۵۶۳؛ قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، ۴۲/۱.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا عليه السلام، ۱۳۰/۲؛ خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، ۳۴.
۴. طوسی، محمد بن الحسن، امالی، ۲۵۳/۱؛ نسائی، أحمد بن شعیب، سنن الکبری، ۱۳۳/۵.
۵. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ۸۸۴/۴؛ شیبانی، أحمد بن حنبل، مسند، ۳۳۱/۱.
۶. مغربی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، ۲۵۵/۲؛ شیبانی، أحمد بن حنبل، همان، ۴۳۸/۴.
۷. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ۳۱۹؛ قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، همان، ۳۱۳/۲.
۸. خوارزمی، موفق بن احمد، همان، ۲۰۰؛ اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ۲۵۷/۱.

انصاري،^١ براء بن عازب،^٢ ابوذر غفاري،^٣ جابر بن عبد الله انصاري^٤
وزيد بن ارقم.^٥

٢-٣- طرق مختص اهل سنت

اين طرق عبارت اند از: حذيفة بن يمان العبسي،^٦ عبد الله بن مسعود،^٧
وهب بن حمزه،^٨ ابوهريره،^٩ عمر بن خطاب^{١٠} وسعد بن ابى وقاص.^{١١}

٣-٣- طرق مختص شيعه

اين طرق، از صحابه پیامبر اکرم ﷺ عبارت اند از: ابو سعيد خدری،^{١٢}
قيس بن سعد بن عباد،^{١٣} مقداد،^{١٤} سلمان،^{١٥} يعلى بن مره^{١٦} ويزيد.^{١٧}

١. طوسی، محمد بن الحسن، همان، ٣٥٢؛ خوارزمی، موفق بن احمد، همان، ٦١.

٢. کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، ١/٤٤٤ و ٢/٤٤١؛ ثعلبی، أحمد بن محمد، الكشف والبيان، ١٨٢/٧.

٣. ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ مدينة دمشق، ٢٤٢/٤٢؛ ابن شاذان قمی، أبو الفضل شاذان بن جبرئیل، الفضائل، ١٣٦.

٤. کوفی، محمد بن سلیمان، همان، ١٥٢/١؛ بیهقی، إبراهيم بن محمد، المحاسن والمساوی، ٣٧/١.

٥. طوسی، محمد بن الحسن، همان، ٤٧٨؛ آجری، محمد بن الحسین، الشریعة، ٢٠٩٧/٤.

٦. أبو نعیم، أحمد بن عبد الله، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، ١/٨٦؛ ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، لسان المیزان، ٢/٣٤؛ ابن طاووس، علی بن موسی، طرف من الأنباء والمناقب، ٣٢٢.

٧. آلوسی، شهاب الدین، روح المعانی، ١٩٣/٦.

٨. ابن عساکر، علی بن الحسن، همان، ١٩٩/٤٢ و ٢٠٠.

٩. قندوزی حنفی، سلیمان بن إبراهيم، همان، ٢/٢٣٤.

١٠. شیبانی، أبو بکر أحمد بن عمرو، الأحاد والمثانی، ٢٧٩/٤.

١١. شیبانی، عمرو بن أبی عاصم، السنة، ٥٦٥/٢.

١٢. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ٢/٧٣٤.

١٣. طوسی، محمد بن الحسن، همان، ٢٤٧.

١٤. ابن شاذان قمی، أبو الفضل شاذان بن جبرئیل، همان، ١٣٦؛ همو، الروضة، ١٢٧.

١٥. همان.

١٦. مفید، محمد بن محمد، امالی، ١١٣.

١٧. طوسی، محمد بن الحسن، همان، ٢٤٧.

و از اصحاب سایر حضرات معصومین علیهم السلام عبارت اند از: سلیم بن قیس^۱، زاذان بن سلمان فارسی^۲، ابو الجارود^۳، علقمه بن محمد حضرمی^۴، حسین بن عباس^۵، جابر جعفی^۶، حسن بن عباس بن جریش^۷، حارث بن عبدالله حاسدی^۸، عمرو بن ابی سلمه^۹، ابراهیم بن عباس صولی^{۱۰}، ابان بن تغلب^{۱۱}، محمد بن فضیل^{۱۲}، محمد حلبی^{۱۳}، موسی بن عبدالله بن حسن^{۱۴} و حسین بن سعید^{۱۵}.

نتیجه این که حدیث ولایت و احادیث همگون آن دارای ۴۰ طریق بوده که ۱۳ طریق مشترک، ۶ طریق از اهل سنت و ۲۱ طریق از منابع شیعه هستند که بعضی از این طرق، به صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و بعضی دیگر به اصحاب اهل بیت علیهم السلام منتهی می گردد.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ۲۷۷/۱.

۲. طبری آملی، محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفی، ۳۲۳. بنا بر تحقیق انجام شده، فرزندی برای سلمان فارسی به این نام یافت نشد؛ از این رو ممکن است منظور از زاذان، زادن فرخ یا یکی از شاگردان سلمان فارسی به نام زاذان ابو عمر الکندی باشد که از کبار تابعین و صدوق و ثقة است.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۹۱/۱.

۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ۹۲.

۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۳۳۵/۲.

۶. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ۱۴۵/۱.

۷. عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة، ۱۷/۳.

۸. استرآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة، ۶۶۳.

۹. عاملی، محمد بن حسن، همان، ۱۹۷/۳.

۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱۳۰/۲.

۱۱. طبرسی، احمد بن علی، همان، ۱۴۵/۱ و ۷۹.

۱۲. استرآبادی، علی، همان، ۵۷۲.

۱۳. همان، ۱۵۸.

۱۴. علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامة، ۲۴۴/۳.

۱۵. کوفی، فرات بن ابراهیم، همان، ۳۸.

۴- گونه شناسی محتوایی حدیث ولایت

حدیث ولایت دارای تنوع محتوا و متون مختلف با تفاوت اندک در لفظ است؛ مانند: «هو ولی کل مؤمن بعدی»،^۱ «انت ولی کل مؤمن بعدی»،^۲ «علي ولي كل مؤمن بعدی»،^۳ «إِنَّ عَلِيًّا وَلِيَّكُمْ بَعْدِي»،^۴ «من كنت وليه فعلي وليه»،^۵ «انت ولي في الدنيا و الآخرة»،^۶ «أنتك ولي المؤمنين من بعدی»،^۷ «فليتول علي بن أبي طالب»،^۸ و «فليوال عليًا من بعدی»،^۹ «إنّ الولاية لعليّ من بعدی»،^{۱۰} «بايعا عليًا بالولاية من بعدی»^{۱۱} و... صادر شده است. در ادامه به نقل تفصیلی هریک از این متن‌ها بنا بر ترتیب سال وفات علمای اهل سنت و شیعه می‌پردازیم.

۴-۱- زمانی و غیابی^{۱۲}

۴-۱-۱- تعبیر «إِنَّ عَلِيًّا وَلِيَّكُمْ بَعْدِي»

این عبارت را ابن عساکر^{۱۳} و خوارزمی^{۱۴} از علمای اهل سنت، و ابوالصلاح

۱. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن، ۶۳۲/۵.

۲. طیالسی، سلیمان بن داود، مسند، ۳۶۰/۱.

۳. ابن ابی شیبۀ، عبدالله بن محمد، المصنف فی الأحادیث والآثار، ۳۷۲/۶ و ۵۰۴/۷.

۴. ابن عساکر، علی بن الحسن، همان، ۱۹۱/۴۲.

۵. نسائی، أحمد بن شعيب، سنن الكبرى، ۴۵/۵ و ۱۳۰.

۶. شیبانی، أحمد بن حنبل، همان، ۳۳۰/۱.

۷. خطیب بغدادی، أحمد بن علی، همان، ۱۰۰/۵.

۸. آجری، محمد بن الحسین، همان.

۹. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، همان، ۳۴/۲.

۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳۵۳/۷.

۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی، طرف من الأنباء والمناقب، ۳۲۳؛ دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، ۳۳۲/۲. پیامبر خدا ﷺ به عمر و ابوبکر امر فرمودند با علی عليه السلام به عنوان ولی بعد از خویش، بیعت کنند.

۱۲. منظور از «زمانی»، وجود کلمه «بعدی» در روایت و مقصود از «غیابی»، آن است که روایت در غیبت امیرالمؤمنین عليه السلام بیان شده است.

۱۳. ابن عساکر، علی بن الحسن، همان، ۱۹۱/۴۲.

۱۴. خوارزمی، موفق بن احمد، همان، ۲۰۰: «علی ولیکم بعدی».

حلبی،^۱ شیخ طوسی،^۲ طبری آملی،^۳ اربلی،^۴ محمد بن حسن قمی^۵ و سید بن طاووس^۶ از علمای شیعه، روایت کرده‌اند.

۴-۱-۲- تعبیر «وهو ولیکم بعدی»

این عبارت را از اهل سنت، احمد بن حنبل،^۷ طبرانی،^۸ ابن عساکر،^۹ محب‌الدین طبری^{۱۰} و ذهبی^{۱۱} و از علمای شیعه، محمد بن سلیمان کوفی،^{۱۲} فرات کوفی،^{۱۳} ابن عقده کوفی،^{۱۴} قاضی نعمان مغربی،^{۱۵} محمد بن جریر طبری،^{۱۶} شیخ طوسی،^{۱۷} طبری آملی،^{۱۸}

۱. ابوالصلاح الحلبي، تقی بن نجم، تقرب المعارف، ۱۹۸.

۲. طوسی، محمد بن الحسن، همان، ۲۵۱.

۳. طبری آملی، محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفى، ۱۲۲.

۴. اربلی، علی بن عیسی، همان، ۱/۲۵۷: «وَقَالَ فِيهِ عَلِيٌّ وَلِيكُمْ بَعْدِي وَ أَكَّدَ الْقَوْلَ عَلَيَّ وَ عَلَيْنِكَ وَ عَلَيَّ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ».

۵. قمی، محمد بن حسن، العقد النضيد، ۸۹.

۶. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف، ۶۶.

۷. شبیبانی، أحمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ۲/۶۸۸ و ۵/۳۵۶.

۸. طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الأوسط، ۶/۱۶۲: «أنه وليكم من بعدی».

۹. ابن عساکر، علی بن الحسن، همان، ۴۲/۱۸۹ و ۱۹۰.

۱۰. طبری، أحمد بن عبد الله، ذخائر العقبی، ۱/۱۹؛ الرياض النضرة، ۲/۱۸۷.

۱۱. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن أحمد، تاریخ الإسلام، ۳/۶۲۸ و ۳۱/۶۳۱: «أخرجه أحمد في المسند والترمذی وحسنه، والنسائی».

۱۲. کوفی، محمد بن سلیمان، همان، ۱/۴۳۴ و ۴۸۰ و ۲/۳۹۱ و ۴۱۹.

۱۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ۸۱، ۱۲۵.

۱۴. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، ۵۶.

۱۵. مغربی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، ۱/۹۴.

۱۶. طبری آملی، محمد بن جریر، المسترشد، ۶۲۰: «يا بريدة! الست أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ قلت: بلى، قال: من كنت مولاة فعلى مولاة، هو وليكم من بعدی يا بريدة».

۱۷. طوسی، محمد بن حسن، همان، ۲۴۸.

۱۸. طبری آملی، محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفى، ۱۲۱.

ابن بطريق^۱، سيد بن طاووس^۲ واربلى^۳ آورده اند.

۴-۱-۳- تعبير «هذا وليكم من بعدى»

درمیان عالمان اهل سنت، نسائی^۴، بیهقی^۵، عنبرى ملحمى^۶، حاکم حسکانى^۷؛ و درمیان عالمان شیعی، محمد بن سلیمان کوفى^۸، کلینى^۹، على بن ابراهيم قمى^{۱۰}، قاضى نعمان مغربى^{۱۱}، سيد بن طاووس^{۱۲} و فيض کاشانى^{۱۳}، متن فوق را روايت کرده اند.

۴-۱-۴- تعبير «هو ولي كل مؤمن بعدى»

این روايت را اندیشمندان اهل سنت چون ترمذى^{۱۴}، شيبانى^{۱۵}، راغب اصفهانى^{۱۶}

۱. ابن بطريق، يحيى بن حسن، عمدة عيون صحاح الأخبار، ۱۹۸.

۲. ابن طاووس، على بن موسى، الطرائف، ۶۷/۱.

۳. اربلى، على بن عيسى، همان، ۲۹۱/۱.

۴. نسائی، أحمد بن شعيب، همان، ۱۳۳/۵: «ذكر قوله صلى الله عليه وسلم: علي وليكم بعدى».

۵. بيهقى، إبراهيم بن محمد، المحاسن والمساوئ، ۳۷/۱.

۶. عنبرى الملحمى، أحمد بن محمد، مجلسان لابی بكر العنبرى، ۱۴/۱.

۷. حسکانى، عبیدالله بن عبد الله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، ۲۴۰/۱.

۸. کوفى، محمد بن سلیمان، همان، ۴۴۲/۱ و ۴۴۴ و ۱۵۱ و ۴۴۱/۲: «هذا وليكم من بعدى، والى الله من الاله وعادى من عاداه ... انت ولى كل مسلم».

۹. کلینى، محمد بن يعقوب، همان، ۲۵۳/۱ و ۲۹۱: «يا معشر المسلمين! هذا وليكم من بعدى؛ فليبلغ الشاهد منكم الغائب».

۱۰. قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، ۳۳۵/۲.

۱۱. مغربى، نعمان بن محمد، همان، ۲۲۱/۱.

۱۲. ابن طاووس، على بن موسى، اليقين، ۳۰۳.

۱۳. فيض کاشانى، محمد محسن بن شاه مرتضى، الوافى، ۲۷۴/۲؛ همو، الأصفى فى تفسير القرآن، ۲۸۶/۱؛ همو، تفسير الصافى، ۵۳/۲ و ۸۹/۵ و ۹۰.

۱۴. ترمذى، محمد بن عيسى، سنن، ۶۳۲/۵.

۱۵. شيبانى، أحمد بن عمرو، الأحاد والمثانى، ۲۷۸/۴.

۱۶. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، محاضرات الأدباء، ۴۹۴/۲.

ابن عساکر،^۱ زرنندی حنفی،^۲ شمس‌الدین ذهبی،^۳ ابن مغازلی،^۴ صالحی شامی^۵ و با اضافه کلمه «مِن»، ابن ابی عاصم شیبانی،^۶ نسائی،^۷ ابن اثیر جزری،^۸ ابن ابی الحدید،^۹ طبری،^{۱۰} گنجی شافعی،^{۱۱} ذهبی،^{۱۲} ابن حجر عسقلانی،^{۱۳} واز محدثین و علمای شیعه، سلیم بن قیس،^{۱۴} محمد بن سلیمان کوفی،^{۱۵} فرات کوفی،^{۱۶} ابن عقدۀ کوفی،^{۱۷} نعمانی،^{۱۸} قاضی نعمان مغربی،^{۱۹} شیخ صدوق،^{۲۰} فضل بن شاذان،^{۲۱}

۱. ابن عساکر، علی بن الحسن، همان، ۱۹۹/۴۲ و ۲۰۰.
۲. زرنندی، محمد بن یوسف، نظم درر السمطین، ۱۱۸.
۳. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن أحمد، میزان الاعتدال، ۳۸/۲.
۴. ابن مغازلی، علی بن محمد، مناقب أمير المؤمنين علی بن أبی طالب، ۱۸۶ و ۱۹۰.
۵. صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبیل الهدی والرشاد، ۲۹۶/۱۱: «عَلِيٌّ وَلِيَ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي». وی روایت را از ابن ابی شیبیه نقل کرده است.
۶. شیبانی، عمرو بن أبی عاصم، السنة، ۵۶۴/۲.
۷. نسائی، أحمد بن شعيب، همان، ۴۵/۵ و ۱۳۲؛ همو، خصائص أمير المؤمنين علی بن أبی طالب، ۱۰۹/۱؛ همو، فضائل الصحابة، ۱۴/۱.
۸. ابن اثیر الجزری، علی بن محمد، أسد الغابة، ۱۱۶/۴.
۹. ابن أبی الحدید، عزالدین بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ۱۰۲/۹.
۱۰. طبری، أحمد بن عبد الله، الرياض النضرة، ۱۸۶/۲.
۱۱. گنجی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب، ۱۱۴ و ۱۱۵.
۱۲. ذهبی، محمد بن أحمد، سیر اعلام النبلاء، ۱۹۹/۸ و ۲۰۰.
۱۳. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، النکت الطراف علی الأطراف، ۱۹۳/۸.
۱۴. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ۳۴۷/۲: «وَوَلَّيْتُ كُلَّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي (و مؤمنه) عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ».
۱۵. کوفی، محمد بن سلیمان، همان، ۴۵۰/۱، «وهو ولي كل امرئ من بعدی».
۱۶. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ۳۱۹: «فإنه ولي كل مؤمن ومؤمنة بعدی».
۱۷. ابن عقدۀ کوفی، احمد بن محمد، فضائل أمير المؤمنين (عليه السلام)، ۱۶۲.
۱۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغيبة، ۷۰، ۷۵ و ۸۳.
۱۹. مغربی، نعمان بن محمد، همان، ۲۵۵/۲: «عَلِيٌّ وَلِيَ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي».
۲۰. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین وتمام النعمة، ۲۷۷/۱.
۲۱. ابن شاذان قمی، أبو الفضل شاذان بن جبرئیل، الفضائل، ۱۳۶؛ همو، الروضة، ۱۲۷.

ابن بطریق^۱ واربلی^۲ نقل کرده‌اند.

۴-۲- ذکر روایت به گونه مطلق

نسائی،^۳ حاکم نیشابوری،^۴ و ابونعیم اصفهانی^۵ روایت را بدون کلمه «بعدی» منعکس کرده‌اند. در برخی منابع شیعه نیز عبارت «هو ولیکم بعد الله ورسوله» توسط علمایی چون فتال نیشابوری،^۶ سید بن طاووس،^۷ علی بن یوسف بن مطهر حلی،^۸ مجلسی اول^۹ و فیض کاشانی،^{۱۰} از امام باقر^{علیه السلام} نقل شده است. برخی هم مانند طبری آملی،^{۱۱} شیخ صدوق^{۱۲} و شیخ حرّ عاملی،^{۱۳} این حدیث را اینگونه نقل کرده‌اند: «انّ امامکم وولیکم علی بن ابی طالب».

۴-۳- ذکر جریان شکایت بدون تصریح به حدیث ولایت

احمد بن حنبل،^{۱۴} بخاری،^{۱۵} بزار،^{۱۶} نسایی،^{۱۷} طحاوی،^{۱۸} ابن حبان،^{۱۹}

۱. ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمدة عیون صحاح الأخبار، ۱۹۹.
۲. اربلی، علی بن عیسی، همان، ۲۹۱/۱: «و هو ولیّ کل مؤمن و مومنة بعدی».
۳. نسائی، أحمد بن شعيب، خصائص أمير المؤمنين علی بن أبی طالب، ۱۱۰/۱.
۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۱۱۹/۳.
۵. ابونعیم، أحمد بن عبد الله، فضائل الخلفاء الراشدين، ۱/۱۴۳: «و هو ولیّ کل مؤمن».
۶. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ۹۲.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین، ۳۴۳ و ۵۷۸.
۸. حلی، علی بن یوسف، العدد القویة، ۱۷۱.
۹. مجلسی، محمد باقر، روضة المتقین، ۲۵۱/۱۳.
۱۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، ۲/۴۶ و ۵۷.
۱۱. طبری آملی، محمد بن جریر، المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب ^{علیه السلام}، ۶۳۳.
۱۲. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، ۴۷۸.
۱۳. عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة، ۳/۷۰.
۱۴. شیبانی، احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ۲/۶۹۰؛ همو، مسند، ۵/۳۵۰.
۱۵. بخاری، محمد بن إسماعیل، الجامع الصحیح، ۴/۱۵۸۱.
۱۶. بزار، أحمد بن عمرو، البحر الزخار، ۱۰/۲۸۳.
۱۷. نسائی، أحمد بن شعيب، خصائص أمير المؤمنين علی بن أبی طالب، ۱۱۵/۱.
۱۸. طحاوی، أحمد بن محمد، شرح مشکل الآثار، ۸/۵۸.
۱۹. أنصاری، عبد الله بن محمد، طبقات المحدثین، ۳/۳۸۸.

ابن عساکر،^۱ مزی،^۲ ابن کثیر،^۳ یوسف بن موسیٰ حنفی،^۴ هیثمی،^۵ ابن حجر عسقلانی،^۶ عینی^۷ و شوکانی،^۸ روایت بُریده را بدون ذکر مطلبی که دلالت بر ولایت کند نقل کرده‌اند.

۴-۴- ذکر حدیث ولایت بدون اشاره به جریان شکایت

عده‌ای دیگر از محدثین اهل سنت مانند ابن ابی شیبیه،^۹ احمد بن حنبل،^{۱۰} نسائی،^{۱۱} رویانی،^{۱۲} ابن الاعرابی،^{۱۳} ابن حبان،^{۱۴} ابن عساکر^{۱۵} و ذهبی،^{۱۶} حدیث ولایت را بدون اشاره به ماجرای شکایت، نقل کرده‌اند.

۱. ابن عساکر، علی بن الحسن، همان، ۱۹۵/۴۲.
۲. مزی، یوسف بن الزکی، تهذیب الکمال، ۴۶۰/۲۰.
۳. ابن کثیر، إسماعیل بن عمر، السیرة النبویة، ۲۰۱/۴ و ۲۰۲؛ همو، البداية والنهاية، ۱۰۴/۵.
۴. حنفی، یوسف بن موسیٰ، المعتصر من المختصر من مشکل الآثار، ۹۵/۲ و ۱۲۸.
۵. هیثمی، علی بن أبی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ۱۲۷/۹؛ همو، كشف الأستار، ۲۰۱/۳: «قَالَ الْبَرْزَازُ لَا نَعْلَمُ رُويَ هَذَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُرَيْدَةَ، عَنْ أَبِيهِ، يَأْتِدَادِ أَحْسَنَ مِنْ هَذَا».
۶. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، فتح الباری، ۶۶/۸.
۷. عینی، محمود بن أحمد، عمدة القاری، ۷/۱۸.
۸. شوکانی، محمد بن علی، نیل الأوطار، ۱۱۰/۷ و ۱۱۱.
۹. ابن أبی شیبیه، عبد الله بن محمد، المصنف فی الأحادیث والآثار، ۳۶۵/۶.
۱۰. شیبانی، احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ۵۶۳/۲.
۱۱. نسائی، أحمد بن شعيب، فضائل الصحابة، ۱۴/۱؛ همو، سنن النسائی الكبرى، ۴۵/۵.
۱۲. رویانی، محمد بن هارون، مسند، ۹۲/۱.
۱۳. ابن الاعرابی، أحمد بن محمد، معجم، ۲۱/۱.
۱۴. ابن حبان، محمد بن حبان، صحیح ابن حبان، ۳۷۴/۱۵.
۱۵. ابن عساکر، علی بن الحسن، همان، ۱۸۸/۴۲ و ۱۹۱.
۱۶. ذهبی، محمد بن أحمد، تاریخ الإسلام، ۶۲۹/۳.

٤-٥- ذکر روایت با عبارت «من كنت وليه فعلي وليه»

احمد بن حنبل، نسائی،^٢ حاکم نیشابوری،^٣ ابن عساکر،^٤ ابن حجر هیثمی،^٥ ابن حجر عسقلانی،^٦ از میان اهل سنت، و محمد بن سلیمان کوفی،^٧ ابوالصلاح حلبی،^٨ ابن مغازی،^٩ ابن بطریق،^{١٠} اربلی^{١١} و علامه حلی^{١٢} از میان شیعه، حدیث یاد شده را در آثار خود بازتاب داده‌اند.

٤-٦- حدیث ولایت با متن «من كنت مؤلأه فعلي مؤلأه»

از اهل سنت، روایت جیش یمن را با این عبارت، احمد بن حنبل،^{١٣} ابن کثیر،^{١٤} سیوطی،^{١٥}

١. شیبانی، أحمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ٥٦٣/٢ و ٦٨٩؛ همان، مسند، ٣٥٨، ٣٥٠/٥ و ٣٦١.
٢. نسائی، أحمد بن شعيب، خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، ٥٠/١، ٩٦ و ٩٨؛ همان، سنن النسائي الكبرى، ٤٥/٥ و ١٣٠.
٣. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، همان، ١٤١/٢.
٤. ابن عساکر، علی بن الحسن، همان، ١٩٢/٤٢.
٥. هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ١٠٨/٩: «فقلت: لأسؤك فيه أبدا رواه البزار ورجاله رجال الصحيح».
٦. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، همان، ٦٦/٨ و ٦٧.
٧. کوفی، محمد بن سلیمان، همان، ٤٥٠/١، ٤٥٣، ٤٥٤ و همان، ٣٨٥/٢ و ٤٤٣.
٨. حلبی، ابوالصلاح تقی بن نجم، تقرب المعارف، ١٩٨.
٩. ابن مغازی، علی بن محمد، همان، ٣٨ و ٤١.
١٠. ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمدة عیون صحاح الأخبار، ٩٧، ١٠٩، ١١١.
١١. اربلی، علی بن عیسی، همان، ٢٩٠/١.
١٢. حلی، حسن بن یوسف، كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، ٢٥١.
١٣. شیبانی، أحمد بن حنبل، مسند، ٣٤٧/٥.
١٤. ابن کثیر، إسماعيل بن عمر، السيرة النبوية، ٤/٤١٥ و ٤١٦؛ وی می‌گوید: «وهذا إسناد جيد قوى رجاله كلهم ثقات»؛ همو، البداية والنهاية، ٢٠٩/٥.
١٥. سیوطی، جلال الدين، الدر المنثور، ٥٦٦/٦.

شیخ علی قاری،^۱ آلوسی،^۲ مبارکفوری؛^۳ واز علمای شیعه، محمد بن جریر طبری،^۴ منعکس کرده‌اند.

۴-۷-زمانی و خطابی^۵

۴-۷-۱-«أنت ولی کل مؤمن بعدی»

این روایت را گروهی از بزرگان اهل سنت مانند طرابلسی،^۶ احمد بن حنبل،^۷ ابن ابی عاصم،^۸ آجری،^۹ طبرانی،^{۱۰} حاکم نیشابوری،^{۱۱} ابن عبدالبر،^{۱۲} ابن عساکر،^{۱۳} تلمسانی بالبری،^{۱۴} محب‌الدین طبری،^{۱۵} صفدی،^{۱۶} ابن کثیر،^{۱۷} هیثمی،^{۱۸} ابن حجر

۱. قاری، علی بن سلطان، مرقاة المفاتیح، ۱۱/۲۴۷.

۲. آلوسی، شهاب‌الدین، روح المعانی، ۶/۱۹۴.

۳. مبارکفوری، محمد عبد الرحمن بن عبد الرحیم، تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، ۱۰/۱۴۷.

۴. طبری آملی، محمد بن جریر، المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب علیه السلام، ۶۲۰: «یا بريدة! الست أولى بالمؤمنین من أنفسهم؟ قلت: بلی، قال: من كنت مولاة فعلی مولاة، هو ولیکم من بعدی یا بريدة».

۵. منظور از «زمانی»، احادیثی است که در آن‌ها واژه «بعدی» آمده و مقصود از «خطابی»، احادیثی است که رسول‌الله صلی الله علیه و آله در آن‌ها حضرت امیر علیه السلام را مخاطب قرار داده‌اند.

۶. طرابلسی، سلیمان بن داود، مسند، ۱/۳۶۰.

۷. شیبانی، احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ۲/۶۸۴، با اضافه کلمه «مومنة»؛ همو، مسند، ۱/۳۳۱: «أنت ولیّ فی کل مؤمن بعدی».

۸. شیبانی، عمرو بن أبی عاصم، السنة، ۵۵۲: «أنت ولیّ فی کل مؤمن بعدی».

۹. آجری، محمد بن الحسین، الشریعة، ۴/۲۰۲۳.

۱۰. طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الكبير، ۱۲/۹۸.

۱۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، همان، ۳/۱۴۳، با اضافه کلمه «مومنة».

۱۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ۳/۱۰۹۱.

۱۳. ابن عساکر، علی بن الحسن، همان، ۴۲/۱۰۲ و ۱۹۹.

۱۴. تلمسانی، محمد بن أبی بکر، الجوهرة فی نسب النبی وأصحابه العشرة، ۱/۲۹۲.

۱۵. طبری، أحمد بن عبدالله، ذخائر العقبی، ۱/۸۷.

۱۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ۲۱/۱۷۸.

۱۷. ابن کثیر القرشی، إسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، ۷/۳۳۹ و ۳۴۶.

۱۸. هیثمی، علی بن أبی بکر، همان، ۹/۱۲۰.

عسقلانی^۱ و نیز برخی از عالمان شیعه مانند شیخ طوسی^۲، ابن بطریق^۳، اربلی^۴ و علامه حلی^۵ یاد کرده‌اند.

و متن «یا علی! أنت ولی الناس بعدی» را شیخ مفید^۶ از طریق یعلی بن مره منعکس کرده است.

در بعضی روایات متن: «هُوَ أَوْلَى النَّاسِ بِكُمْ بَعْدِي» را پیامبر ﷺ به بریده فرمودند و بریده نیز با شنیدن این سخن از آن حضرت، با طلب مغفرت از رسول خدا ﷺ توبه کرده و بعداً به استناد همین سخن رسول خدا ﷺ با ابوبکر بیعت نکرد.

این متن را از علمای اهل سنت ابن مردویه^۷، میرخواند محمد بن خاوند^۸ و از علمای شیعه، سید بن طاووس^۹ و علی بن یونس عاملی بیاضی^{۱۰} روایت کرده‌اند.

۴-۷-۲- «أنت ولی فی الدنيا والآخرة»

این روایت را عده‌ای از علمای اهل سنت چون احمد بن حنبل^{۱۱}، ابن ابی عاصم^{۱۲}،

۱. عسقلانی، علی بن حجر، الإصابة فی تمییز الصحابة، ۴/۵۶۸.

۲. طوسی، محمد بن حسن، امالی، ۵۶۳.

۳. ابن بطریق، یحیی بن حسن، همان، ۸۶ و ۲۴۰، با اضافه کلمه «مومنة».

۴. اربلی، علی بن عیسی، همان، ۸۴/۱ و ۱۷۹.

۵. حلی، حسن بن یوسف، کشف الیقین، ص ۳۴؛ همو، منهاج الکرامه، ۸۸.

۶. مفید، محمد بن محمد، امالی، ۱۱۳.

۷. ابن مردویه، أحمد بن موسی، مناقب علی بن أبی طالب، ۱۲۰.

۸. میرخواند، محمد بن خاوند، تاریخ روضة الصفا، ۴/۱۶۸۲.

۹. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ۱/۶۷.

۱۰. عاملی نباطی، علی بن محمد، الصراط المستقیم، ۲/۵۹.

۱۱. شیبانی، أحمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ۲/۶۸۴؛ همو، مسند، ۱/۳۳۰.

۱۲. شیبانی، عمرو بن أبی عاصم، السنة، ۲/۶۰۳.

آجری،^۱ طبرانی،^۲ حاکم نیشابوری،^۳ ابن عساکر^۴ و ابن منظور؛^۵ و از علمای شیعه، ابن بطریق،^۶ اربلی،^۷ محمد بن حسن قمی^۸ و علامه حلی^۹ آورده‌اند.

۴-۷-۳- «أنت امام كل مؤمن ومؤمنة، وولي كل مؤمن ومؤمنة بعدی»

این حدیث را خوارزمی^{۱۰} و قندوزی^{۱۱} از علمای اهل سنت، و شیخ طوسی،^{۱۲} سید بن طاووس،^{۱۳} اربلی^{۱۴} و علامه حلی^{۱۵} از بزرگان شیعه نقل کرده‌اند.

۵- گونه شناسی موقعیتی حدیث ولایت

توجه رسول اکرم ﷺ به موضوع امامت و خلافت بعد از خود، آن چنان بوده که در موقعیت‌های مختلف، به این مهم سفارش نموده و با ایراد نصوص صریح بر ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام برای امت خویش روشن‌گری کرده‌اند. اولین

۱. آجری، محمد بن الحسین، الشریعة، ۲۰۲۲/۴.
۲. طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الأوسط، ۱۶۵/۳؛ همو، المعجم الكبير، ۹۸/۱۲.
۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، همان، ۱۴۳/۳.
۴. ابن عساکر، علی بن الحسن، همان، ۹۸/۴۲ و ۱۰۱.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، مختصر تاریخ دمشق، ۳۸۱/۵.
۶. ابن بطریق، یحیی بن حسن، همان، ۸۶ و ۲۳۹.
۷. اربلی، علی بن عیسی، همان، ۱۷۹، ۸۳/۱، ۲۵۷ و ۲۹۴: «اما ترضی ... وَوَلِيَّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؟»
۸. قمی، محمد بن حسن، العقد النضید، ۸۹: «اما ترضی ... وَوَلِيَّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؟»
۹. حلی، حسن بن یوسف، همان، ۲۹.
۱۰. خوارزمی، موفق بن احمد، همان، ۶۱.
۱۱. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، ۴۰۵/۱.
۱۲. طوسی، محمد بن الحسن، همان، ۳۵۲.
۱۳. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب، ۵۲۲/۲.
۱۴. اربلی، علی بن عیسی، همان، ۳۹۹/۱.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف، همان، ۴۶۷.

موطن ابراز این حدیث، ماجرای دعوت عمومی خویشاوندان رسول خدا ﷺ به اسلام در یوم الدار است. بعد از آن واقعه، پیامبر اکرم ﷺ در همه مدت رسالت خویش، بارها و تا آخرین لحظه حیات شریفشان، به موضوع ولایت و وصایت امیرالمؤمنین علیؑ تصریح کرده‌اند.

حدیث ولایت دارای دوازده گونه صدور است. چهار گونه، مشترک بین فریقین (جریان شکایت بریده، یوم الدار، شکایت وهب بن حمزه و واقعه غدیر خم) و هشت گونه مخصوص شیعه (جریان شکایت اهل یمن، ذیل آیات «فاوحی الی عبده ما اوحی»، «صالح المومنین»، ولایت و ذیل تفسیر سوره قدر، بیعت گرفتن از مردم بر ولایت علیؑ، معرفی علیؑ به عنوان ولی به شخص اعرابی) است.

در ادامه، برخی از این موارد را برمی‌شماریم:

۱-۵- واقعه شکایت بریده بن حصیب

مهم‌ترین روایتی که بحث این مقاله حول آن و احادیث مشابهش، سامان یافته است، حدیث منصوص ولایت است که به جریان شکایت بریده از علیؑ در ماجرای بازگشت از یمن اشاره دارد. همان‌گونه که در صدر این نوشتار به تفصیل آن را بیان کردیم، رسول خدا ﷺ در پاسخ به شکایت بریده فرمود: «علیّ منی و انا منه و هو ولیّ کلّ مؤمن بعدی».

۲-۵- واقعه یوم الدار

پیامبر اکرم ﷺ در اولین دعوت عمومی به وحدانیت خدا و اعلام رسالت خویش، علیؑ را به عنوان ولی و وصی بعد از خود به حاضرین معرفی فرمودند. این جریان با الفاظ مختلف در منابع فریقین، روایت شده است:

۱- «هو ولیّ و وصیّ من بعدی»

۲- «من ینبایعنی علیّ أن یكون أخی و صاحبی و ولیکم بعدی؟»

۳- «و وِلِّيَّ كُلِّ مَوْمِنٍ بَعْدِي»

متن اول را عده‌ای از علمای اهل سنت مانند ثعلبی^۱ و حاکم حسکانی^۲ و عده‌ای از علمای شیعه مانند ابن بطریق^۳، سید بن طاووس علی بن موسی^۴، ابن طاووس احمد بن موسی^۵ و استرآبادی^۶ نقل کرده‌اند.

متن دوم را ابن مردویه^۷ و متقی هندی^۸ از اهل سنت، و سید بن طاووس^۹ از علمای شیعه به نقل از ابن مردویه، در آثار خود آورده‌اند.

متن سوم را نیز برخی از محدثین و علمای شیعه مانند سلیم بن قیس^{۱۰} و به نقل از ایشان، شیخ حرّ عاملی^{۱۱} و سید هاشم بحرانی^{۱۲} روایت کرده‌اند.

۵-۳- واقعه شکایت وهب بن حمزه

در جواب شکایتی که وهب بن حمزه از علی عَلَيْهِ السَّلَام به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌کند، آن حضرت می‌فرماید: «این چنین درباره علی عَلَيْهِ السَّلَام سخن مگوی! چراکه علی، ولیّ شما بعد از من است».

۱. ثعلبی، أحمد بن محمد، الکشف والبيان، ۱۸۲/۷: «ومن يواخني ويؤازرنى ويكون وليّ ووصيّي بعدى».

۲. حسکانی، عبیدالله بن عبد الله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، ۵۴۳/۱.

۳. ابن بطریق، يحيى بن حسن، همان، ۷۸ و ۸۹.

۴. ابن طاووس، علی بن موسی، همان، ۲۲/۱.

۵. ابن طاووس، احمد بن موسی، بناء المقالة الفاطمية فى نقض الرسالة العثمانية، ۱۳۰.

۶. استرآبادی، علی، تأويل الآيات الظاهرة، ۳۹۲.

۷. ابن مردويه، أحمد بن موسی، همان، ۲۸۹.

۸. متقی هندی، علی بن حسام، كنز العمال، ۱۴۹/۱۳.

۹. ابن طاووس، علی بن موسی، طرف من الأنباء والمناقب، ۴۳۰.

۱۰. هلالی، سلیم بن قیس، همان، ۷۸۰/۲.

۱۱. عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة، ۱۹۷/۳.

۱۲. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیة الأبرار، ۱۸۹/۴.

و در نقلی دیگر فرمود: «سزاوارترین مردم به شما بعد از من اوست».

این جریان با دو متن «فإنّ علينا وليکم بعدی» و «اولی الناس بکم بعدی» نقل گردیده است.

متن اول را ابن عساکر^۱ و ابن کثیر^۲ و متن دوم را طبرانی^۳، ابونعیم اصفهانی^۴، هیشمی^۵ و سیوطی^۶ منعکس کرده‌اند.

۵-۴- واقعه غدیر خم

پیامبر اکرم ﷺ در جریان غدیر خم نیز با الفاظی شبیه به حدیث ولایت، بروصایت علی عنه السلام تصریح فرموده‌اند که با الفاظ متفاوتی در منابع فریقین ثبت شده است:

۱- «یا معشر المسلمین! هذا ولیکم من بعدی»

۲- «علی بن ابی طالب مولی کل مؤمن و مومنة و هو ولیکم من بعدی»

۳- «و هو ولیکم بعد الله و رسوله»

۴- «علی و لی المومنین بعدی»

۵- «انّ علینا ولی المومنین»

۶- «هذا ولیّ و المؤدی عتی»

۷- «الولاية لعلی من بعدی»

متن اول را بزرگانی از محدثین و علمای شیعه مانند محمد بن سلیمان کوفی^۷

۱. ابن عساکر، علی بن حسن، همان، ۱۹۹/۴۲ و ۲۰۰.

۲. ابن کثیر، إسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، ۳۴۶/۷.

۳. طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الكبير، ۱۳۵/۲۲.

۴. ابونعیم، أحمد بن عبد الله، معرفة الصحابة، ۲۷۲۳/۵.

۵. هیشمی، علی بن أبی بکر، همان، ۱۰۹/۹: «رواه الطبرانی وفيه دكين، ذكره ابن أبي حاتم ولم يضعفه أحد وبقية رجاله وثقوا».

۶. سیوطی، جلال الدین، جامع الأحادیث، ۲۵۰/۸.

۷. کوفی، محمد بن سلیمان، همان، ۴۳۴/۱، ۴۴۴، ۴۸۰، ۳۹۱/۲ و ۴۱۹ و ۴۴۱.

کلینی،^۱ قاضی نعمان مغربی^۲ و فیض کاشانی؛^۳ و از اهل سنت، عنبری ملحمی^۴ نقل کرده و به جریان بیعت و تهنیت گفتن عمر بن خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام با بیان عبارت «انت ولی کل مسلم» اشاره کرده‌اند. و برخی چون محمد بن سلیمان کوفی،^۵ ابن عساکر،^۶ ابن اثیر جزری،^۷ ابن منظور^۸ و ابن کثیر^۹ نیز ماجرای بیعت را با عبارت «الیوم ولی کل مؤمن» یاد کرده‌اند. متن دوم را شیخ طوسی^{۱۰} و طبری آملی^{۱۱} روایت کرده‌اند.

متن سوم را نیز عده‌ای از محدثان شیعه مانند فتال نیشابوری،^{۱۲} سید بن طاووس،^{۱۳} علی بن یوسف بن مطهر حلّی،^{۱۴} مجلسی اول^{۱۵} و فیض کاشانی^{۱۶} از امام باقر علیه السلام روایت کرده‌اند.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲۹۱/۱.

۲. مغربی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، ۲۲۱/۱.

۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ۲/۲۷۴؛ همو، التفسیر الأصفی، ۱/۲۸۶؛ همو، تفسیر الصافی، ۲/۵۳ و ۵/۸۹.

۴. عنبری ملحمی، أحمد بن محمد، مجلسان، ۱/۱۵.

۵. کوفی، محمد بن سلیمان، همان، ۲/۴۴۱.

۶. ابن عساکر، علی بن الحسن، همان، ۲۲۰/۴۲.

۷. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ۵/۲۲۸؛ أبو نعیم، أحمد بن عبدالله اصفهانی، معرفة الصحابة، ۴/۱۱۸؛ «وقول عمر لعلی > أَصْبَحْتَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ < أَي وَلي كُلِّ مُؤْمِنٍ».

۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵/۴۱۰.

۹. ابن کثیر، إسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، ۷/۳۸۶.

۱۰. طوسی، محمد بن الحسن، امالی، ۲۴۸.

۱۱. طبری آملی، محمد بن أبی القاسم، بشارة المصطفى، ۱۲۱.

۱۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ۹۲.

۱۳. ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین، ۳۴۳؛ همو، التحصین، ۵۷۸.

۱۴. حلّی، علی بن یوسف، العدد القویة، ۱۷۱.

۱۵. مجلسی، محمد باقر، روضة المتقین، ۱۳/۲۵۱.

۱۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، ۲/۴۶ و ۵۷.

امیرالمؤمنین علیه السلام در شورای شش نفره، به همین حدیث احتجاج کرده و فرمود:
 آیا در بین شما کسی غیر از من هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله دست او را بلند
 کرده و فرموده باشد: او ولیّ شما است؟^۱

متن چهارم را نیز طبرسی^۲ و باندکی اختلاف، سید بن طاووس^۳ نقل کرده اند.
 متن پنجم را آلوسی^۴ در ذیل آیه تبلیغ^۵ از ابن مسعود آورده است.^۶
 متن ششم را ابن ابی عاصم،^۷ نسائی^۸ و ابن کثیر^۹ یاد کرده اند.
 متن هفتم را نیز طبرسی^{۱۰} و سید بن طاووس^{۱۱} روایت کرده اند.

۵-۵- جریان شکایت اهل یمن از قضاوت علی علیه السلام

در جریان گسیل علی علیه السلام به یمن توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای قضاوت میان
 مردم و عدم رضایت آن‌ها از قضاوت حضرت، رسول خدا صلی الله علیه و آله در جواب

۱. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، ۱/۱۴۵؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۱/۳۴۳:
 «فَأَنَّهُ وَلِيكُمْ غَيْرِي؟ قَالُوا لَا».
۲. طبرسی، احمد بن علی، همان، ۱/۷۹.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین، ۳۴۲.
۴. آلوسی، شهاب الدین، روح المعانی، ۶/۱۹۳.
۵. مائده/۶۷.
۶. «عن ابن مسعود قال: دُكِنَا نَقْرًا عَلِيَّ عَهْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ﴿يَا أَيُّهَا
 الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ إِنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ
 رِسَالَتَهُ﴾».
۷. شیبانی، عمرو بن ابی عاصم، السنة، ۲/۵۶۵.
۸. نسائی، أحمد بن شعيب، خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، ۱/۲۸؛ همو، السنن
 الكبرى، ۵/۱۰۷.
۹. ابن کثیر، إسماعيل بن عمر، البداية والنهاية، ۵/۲۱۲: «قال شيخنا الذهبي وهذا حديث حسن
 غريب».
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ۱۳۴.
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب، ۳۱۰.

اعتراض آن‌ها فرمودند:

علی علیه السلام برای ظلم خلق نشده! او ولیّ شما بعد از من است، حکم او حکم خدا است. کسی حکم او را رد نمی‌کند مگر کافر؛ و کسی حکم او را نمی‌پذیرد مگر مؤمن.

اهل یمن بعد از این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن قبولی حکم علی علیه السلام توبه کردند. کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این واقعه، به دوگونه نقل شده است: «هو ولیکم من بعدی» و «انّ الولاية لعلی من بعدی».

متن اول را قاضی نعمان مغربی،^۱ قطب راوندی،^۲ ابن شهر آشوب^۳ و متن دوم را کلینی،^۴ شیخ طوسی،^۵ علامه حلی^۶ و فیض کاشانی^۷ روایت کرده‌اند.

۵-۶- ذیل آیه «فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ»

امام باقر علیه السلام فرمودند:

از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره وحی در آیه شریفه «فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ» سؤال شد، آن حضرت فرمودند: «به من وحی شد تا علی علیه السلام را به ولایت نصب کنم؛ بنابراین به شما می‌گویم: این ولیّ شما بعد از من است».

این روایت را علی بن ابراهیم قمی^۸ در تفسیر خود آورده و عده‌ای دیگر چون فیض

۱. مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، ۲/۴۲۶.

۲. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله، قصص الأنبياء صلی الله علیه و آله، ۳۹۵؛ نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، ۱۸/۳۲۳.

۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب صلی الله علیه و آله، ۲/۳۴.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۷/۳۵۳.

۵. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ۱۰/۲۲۸.

۶. حلی، حسن بن یوسف، تحریر الأحکام، ۵/۵۵۰.

۷. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ۱۶/۸۴۵.

۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۲/۳۳۵.

کاشانی^۱، شیخ حرعاملی^۲ و سید هاشم بحرانی^۳ آن را از وی نقل کرده‌اند.

۵-۷- ذیل آیه «صالح المؤمنین»

برابر با نقل برخی از محدثین شیعه چون سید بن طاووس^۴، استرآبادی^۵ و علامه مجلسی^۶، نبی اکرم ﷺ امیر المؤمنین (علیه السلام) را دو مرتبه به اصحابش شناسانده و از آن‌ها پیمان گرفته و فرمودند: «آیا می‌دانید ولیّ شما بعد از من کیست؟» گفتند: «خدا و رسولش بهتری دانند» حضرت فرمود: «او صالح المومنین است»^۷ بعد به علی (علیه السلام) اشاره کرده و فرمودند: «این ولیّ شما بعد از من است».

۵-۸- بیعت گرفتن رسول خدا ﷺ بر ولایت علی (علیه السلام)

رسول خدا ﷺ در مواقع مختلفی از مردم برای ولایت علی (علیه السلام) بیعت می‌گرفتند. در روایتی، ابو داوود از عمران بن حصین نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ اصحاب را امر فرمودند تا به عنوان بیعت و میثاق بر ولایت علی (علیه السلام) بر آن حضرت سلام دهند؛ و بعد از آن فرمود:

شما از من سؤال کردید که ولیّ شما بعد از من کیست؟ به شما خبر دادم و بیعت گرفتم، همان‌گونه که خداوند از بنی آدم میثاق و بیعت گرفت.

این روایت را کشتی^۸ نقل کرده است و سید بن طاووس^۹ و شیخ حرعاملی^{۱۰} آن را از وی روایت کرده‌اند.

۱. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، ۹۰/۵.

۲. عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة، ۱۵۰/۳.

۳. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۹۲/۵.

۴. ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین، ۳۰۳.

۵. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة، ۵۷۲، ۶۷۵، ۵۵۵ و ۵۷۱.

۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۱۵۸/۳۶.

۷. تحریم ۴: «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ»

۸. کشتی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، ۳۰۹/۱.

۹. ابن طاووس، علی بن موسی، همان، ۳۸۹.

۱۰. عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة، ۱۶۵/۳.

۵-۹- ذیل آیه «ولایت»

روزی رسول خدا ﷺ به مسجد آمده و از فقیری که در حال خارج شدن از مسجد بود پرسیدند: «آیا کسی به تو صدقه داد؟» فقیر با اشاره به علی عَلِيٌّ گفت: «بله؛ آن مرد در حال رکوع نمازش به من صدقه داد و انگشترش را به من بخشید». در این هنگام آیه ۵۵ سوره مائده نازل شد. رسول خدا ﷺ بعد از نزول آیه فرمودند: «او ولیّ شما بعد از من است».

این روایت با سه تعبیر «هو ولیکم من بعدی»، «هذا ولیکم من بعدی یعنی علیّ» و «علی بن ابی طالب ولیکم بعدی» ذکر شده است.

متن اول را فرات کوفی^۱، متن دوم را محمد بن سلیمان کوفی^۲ و متن سوم را شیخ صدوق^۳ روایت کرده اند.

۵-۱۰- ذیل تفسیر سوره قدر

امام محمد تقی عَلِيٌّ در تفسیر سوره قدر می فرماید:

ملائکه در این شب [= شب قدر] خدمت ولی امر هر عصری می رسند؛ هر کس شب قدر را تصدیق کند باید بداند که این امر از ما خاندان است، به خاطر سخنی که رسول خدا ﷺ نزدیک رحلتشان به علی عَلِيٌّ فرمودند که این [علی] ولیّ شما بعد از من است، اگر از او اطاعت کنید هدایت می شوید.

این روایت را کلینی^۴ و فیض کاشانی^۵ نقل کرده اند.

۱. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ۱۲۵.

۲. کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب الإمام أمير المؤمنين علی بن ابیطالب عَلِيٌّ، ۱۵۱/۱.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، ۱۸۶.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲۵۳/۱.

۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ۵۷/۲.

۵-۱۱- توصیه رسول خدا ﷺ به فرد اعرابی

رسول خدا ﷺ در جواب مردی که بعد از حجة الوداع خدمت حضرت رسیده و مسلمان شد، فرمود:

اگر سؤالی داشتی و مرا نیافتی، از علی علیه السلام سؤال کن؛ زیرا که او ولی مؤمنین بعد من است.^۱

۶- احادیث مستقل و همگون با حدیث ولایت

۶-۱- درخواست خصلت‌های پنج‌گانه از خداوند متعال برای علی علیه السلام

روزی پیامبر اکرم ﷺ به علی علیه السلام فرمودند:

از خداوند برای تو پنج خصلت درخواست کردم؛ یکی از آن خصلت‌ها این است که تو ولی مؤمنین بعد از من باشی.

این حدیث را خطیب بغدادی،^۲ متقی هندی،^۳ رافعی،^۴ بدخشانی،^۵ محمد صدر عالم،^۶ مولوی حسن زمان^۷ و نیز زرنندی حنفی،^۸ صالحی شامی^۹ و شافعی عاصمی^{۱۰} از خطیب بغدادی و رافعی نقل کرده‌اند.

۱. شامی، یوسف بن حاتم، الدرالنظیم، ۳۲۳.

۲. خطیب بغدادی، أحمد بن علی، تاریخ بغداد، ۳۳۸/۴.

۳. متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال، ۶۲۵/۱۱.

۴. رافعی، عبد الکریم بن محمد، التذوین فی أخبار قزوین، ۱۲۶/۲.

۵. رک: میلاتی، سید علی، نفحات الازهار، ۱۴۶/۱۵، به نقل از مفتاح النجا فی مناقب آل العبا.

۶. رک: همان، به نقل از معارج العلی فی مناقب المرتضی.

۷. رک: همان، به نقل از القول المستحسن فی فخر الحسن، ۲۱۴.

۸. زرنندی، محمد بن یوسف، نظم در السمطین، ۱۵۳.

۹. صالحی الشامی، محمد بن یوسف، سبیل الهدی والرشاد، ۱۱/۲۹۶ و ۲۹۷.

۱۰. عاصمی، عبد الملك بن حسین، سمط النجوم، ۶۵/۳.

۲-۶- اولین سؤال بعد از مرگ، ولایت علی علیه السلام

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

اولین سؤال بعد از مرگ، شهادت به وحدانیت خدا و رسالت من و

این که تو ولی مؤمنین هستی، خواهد بود.

این روایت را شیخ صدوق^۱، سید بن طاووس^۲ و ملا فتح الله کاشانی^۳ آورده اند.

۳-۶- حیات و ممات رسول خدا صلی الله علیه و آله با ولایت علی علیه السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هر کس دوست دارد زندگی و مرگش مانند من باشد و وارد بهشت شود،

باید ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را بپذیرد.

این روایت با دو متن: «فلیتول علی بن ابی طالب» و «فلیوال علیا من بعدی» نقل شده است.

متن اول را آجری^۴، طبرانی^۵، حاکم نیشابوری^۶ و ابونعیم اصفهانی^۷ و متن

دوم را رافعی^۸، متقی هندی به نقل از رافعی^۹، ابونعیم اصفهانی^{۱۰}، ابن حجر

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲/۱۳۰.

۲. ابن طاووس، علی بن موسی، طرف من الأنباء المناقب، ۲۲۱.

۳. کاشانی، فتح الله بن شکر الله، منهج الصادقین، ۱۰/۳۳۸.

۴. آجری، محمد بن الحسین، الشریعة، ۴/۲۰۹۷: «فلیتول علی بن ابی طالب فإنه لن ینخرجکم من هدی، ولن یدخلکم فی ضلالة».

۵. طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الکبیر، ۵/۱۹۴.

۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، همان، ۳/۱۳۹: وی می گوید: «هذا حدیث صحیح الإسناد ولم ینخرجاه».

۷. ابونعیم، أحمد بن عبد الله، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، ۴/۳۴۹.

۸. رافعی، عبد الکریم بن محمد، التدریج فی أخبار قزوین، ۲/۴۸۵.

۹. متقی هندی، علی بن حسام، همان، ۱۲/۴۸.

۱۰. ابونعیم، أحمد بن عبد الله، همان، ۱/۸۶.

عسقلانی،^۱ سیوطی،^۲ ابن عساکر،^۳ خوارزمی،^۴ صفّار،^۵ شیخ صدوق^۶ و طبری
آملی^۷ روایت کرده‌اند.

نتیجه

با بررسی حدیث ولایت و احادیث همگون آن در آثار مکتوب فریقین، معلوم می‌شود که این حدیث، مجموعاً دارای چهل طریق مسند و مرسل از صحابه پیامبر و اصحاب اهل بیت علیهم‌السلام است که از آن میان، سیزده طریق مشترک، شش طریق مختص اهل سنت و بیست و یک طریق از منابع شیعه است. همچنین این حدیث دارای نه گونه محتوایی و دوازده گونه صدور بوده که چهار گونه مشترک بین فریقین و هشت گونه مختص شیعه است. تعبیر «انک ولی المومنین بعدی»، «انک ولی المومنین» و «فلیتول علی بن ابیطالب» یا «فلیوال علیا بعدی» نیز از احادیث مستقل و همگون با حدیث ولایت هستند.

با توجه به فراوانی نقل‌های این حدیث، قطعی‌الصدر بودن و حتی تواتر آن از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اثبات می‌رسد؛ این شاء الله در نوشتار دیگری به بررسی اعتبار گونه‌ای این روایات و همچنین دلالت این مجموعه نفیس بر ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام خواهیم پرداخت.

۱. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، لسان المیزان، ۳۴/۲: «فلیتول علی بن ابی طالب من بعدی».

۲. سیوطی، جلال‌الدین، جامع الأحادیث، ۳۴/۷.

۳. ابن عساکر، علی بن حسن، همان، ۲۴۲/۴۲: «فلیتول علیا بعدی»؛ همو، ۲۴۰: «فلیوال علیا من بعدی ولیوال ولیّه ولیقتد بالأئمة من بعدی»

۴. خوارزمی، موفق بن احمد، همان، ۳۴: «فلیتول علی بن ابی طالب وذریته الطاهرين، أئمة الهدی ومصابیح الدجی من بعده».

۵. صفّار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۴۹/۱-۵۳.

۶. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، ۷۰ و ۵۶۰؛ همو، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ۲۶۲/۱.

۷. طبری آملی، محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفی، ۱۵.

- ابن أبی زینب، محمد بن ابراهیم، الغيبة للنعمانی، تهران، ۱۳۹۷ ق.
- ابن أبی شیبة، أبو بكر عبدالله بن محمد، المصنف فی الأحادیث والآثار، تحقیق: كمال یوسف الحوت، مكتبة الرشد، الرياض، ۱۴۰۹ ق.
- ابن اثیر الجزری، أبی الحسن علی بن محمد، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، تحقیق: عادل أحمد الرفاعي، الطبعة: الأولى، دار النشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت/لبنان، ۱۴۱۷ ق/۱۹۹۶ م.
- ابن الاثیر الجزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی - محمود محمد الطناحی، دار النشر: المكتبة العلمية، بیروت، ۱۳۹۹ ق/۱۹۷۹ م.
- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا عليه السلام، بی جا، ۱۳۷۸ ق.
- ، كمال الدین وتمام النعمة، تهران، بی جا، ۱۳۹۵ ق.
- ، الأمالی، تهران، بی جا، ۱۳۷۶ ش.
- ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، قم، بی جا، ۱۴۰۷ ق.
- ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تحقیق: محب الدین الخطیب دار المعرفة، بیروت، بی تا.
- ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، لسان المیزان، تحقیق: دائرة المعارف النظامية، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۹۸۶/۱۴۰۶.
- مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، قم، بی جا، ۱۳۸۵ ق.
- ، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، قم، بی جا، ۱۴۰۹ ق.
- ابن شاذان قمی، أبو الفضل شاذان بن جبرئیل، الفضائل، قم، بی جا، ۱۳۶۳ ش.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب عليهم السلام، قم، بی جا، ۱۳۷۹ ق.
- ابن طاووس، احمد بن موسی، بناء المقالة الفاطمية فی نقض الرسالة العثمانية، قم، بی جا، ۱۴۱۱ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، التحصين لأسرار ما زاد من كتاب اليقين، ایران؛ قم، بی جا، ۱۴۱۳ ق.
- ، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ایران، قم، بی جا، ۱۴۰۰ ق.
- ، اليقين باختصاص مولانا علی عليه السلام بإمرة المؤمنين، ایران، قم، بی جا، ۱۴۱۳ ق.
- ، طرف من الأنباء والمناقب، مشهد، بی جا، ۱۴۲۰ ق.

ابن أبي الحديد، حميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، تحقيق: محمد عبد الكريم النمري، الطبعة: الأولى، دار الكتب العلمية، بيروت/لبنان - ١٤١٨ ق/ ١٩٩٨ م.

ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، تحقيق: علي محمد البجاوي، الطبعة: الأولى، دار الجيل، بيروت، ١٤١٢ ق.

ابن عساکر، علي بن الحسن، تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، دار الفكر، بيروت، ١٩٩٥ م.

ابن عقده كوفى، احمد بن محمد، فضائل أمير المؤمنين عليه السلام إيران؛ قم، بی جا، ١٤٢٤ ق.
ابن كثير القرشي، إسماعيل بن عمر، البداية والنهاية، دار النشر: مكتبة المعارف، بيروت، بی تا.

-----، السيرة النبوية، بی جا، بی تا.

ابن مردويه الأصفهاني، أحمد بن موسى، مناقب علي بن ابي طالب عليه السلام وما نزل من القرآن في علي عليه السلام تحقيق: عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، دار الحديث، قم، بی تا.

ابن منظور، محمد بن مكرم الافريقي المصري، مختصر تاريخ دمشق، بی جا، بی تا.
-----، لسان العرب، بيروت، بی جا، ١٤١٤ ق.

ابن حبان، محمد بن حبان، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، دار النشر، مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤١٤ ق/ ١٩٩٣ م.

ابو الصلاح الحلبي، تقى بن نجم، تقريب المعارف، قم، بی جا، ١٤٠٤ ق.

أبو نعيم، أحمد بن عبد الله الأصبهاني، حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، دار الكتاب العربي، بيروت، ١٤٠٥ ق.

-----، معرفة الصحابة، بی جا، بی تا.

أجرى، محمد بن الحسين، الشريعة، تحقيق: الدكتور عبد الله بن عمر بن سليمان الدميحي، دار الوطن، الرياض/السعودية - ١٤٢٠ ق/ ١٩٩٩ م.

احمدى ميانجى، على، مكاتيب الرسول صلى الله عليه وآله وسلم، إيران، قم، بی جا، ١٤١٩ ق.

اربلی، على بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تبريز، بی جا، ١٣٨١ ق.

استرآبادی، على، تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، إيران، قم، بی جا، ١٤٠٩ ق.

ألبانى، محمد ناصر، ظلال الجنة، المكتب الإسلامى، بيروت، ١٤١٣ ق/ ١٩٩٣ م.

ألوسى، شهاب الدين، روح المعانى في تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى، دار إحياء التراث العربى، بيروت، بی تا.

أنصاری، عبدالله بن محمد، طبقات المحدثين بأصبهان والواردين عليها، تحقيق: عبدالغفور عبدالحق حسين البلوشي، الطبعة: الثانية، دارالنشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤١٢ ق/ ١٩٩٢ م.

بالبري، محمد بن أبي بكر الانصاري التلمساني، الجوهرة في نسب النبي وأصحابه العشرة، بي جا، بي تا.

بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم والمعارف والأحوال، الإمام علي بن ابي طالب عليه السلام ايران، قم، ١٣٨٢ ش.

بحراني، سيد هاشم بن سليمان، البرهان في تفسير القرآن، قم، ١٣٧٤ ش.

بخاري، محمد بن إسماعيل، الجامع الصحيح المختصر، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، دار ابن كثير، اليمامة، بيروت، ١٤٠٧ ق/ ١٩٨٧ م.

بزار، أبو بكر أحمد بن عمرو، البحر الزخار، تحقيق: د. محفوظ الرحمن زين الله، مؤسسة علوم القرآن، مكتبة العلوم والحكم، بيروت، ١٤٠٩ ق.

بغدادى خطيب، أحمد بن على، تاريخ بغداد، دار الكتب العلمية - بيروت، بي تا.

-----، خزنة الأدب ولب لباب لسان العرب، تحقيق: محمد نبيل طريفي / اميل بديع يعقوب، الطبعة: الأولى، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٩٩٨ م.

بيهقي، إبراهيم بن محمد، المحاسن والمساوي، تحقيق: عدنان على، دار الكتب العلمية، بيروت/ لبنان، ١٤٢٠ ق/ ١٩٩٩ م.

ترمذى، محمد بن عيسى، سنن الترمذى، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، دار إحياء التراث العربى، بيروت، بي تا.

ثعلبي، أبو إسحاق أحمد بن محمد، الكشف والبيان (تفسير الثعلبي)، تحقيق: الإمام أبي محمد بن عاشور، مراجعة وتدقيق الأستاذ نظير الساعدي إحياء التراث العربى، بيروت، لبنان، ١٤٢٢ ق/ ٢٠٠٢ م.

حسكاني، عبيدالله بن عبد الله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تهران، ١٤١١ ق.

حلى، حسن بن يوسف، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، تحقيق: الشيخ إبراهيم البهادري، قم، بي تا.

حلى، رضى الدين على بن يوسف بن المطهر (برادر علامه حلى)، العدد القوية لدفع المخاوف اليومية - قم، ١٤٠٨ ق.

حنفى، أبو المحاسن يوسف بن موسى، المعتصر من المختصر من مشكل الآثار، مكتبة سعد الدين، بيروت/ القاهرة/ دمشق، بي تا.

خوارزمى، موفق بن احمد، المناقب، تحقيق: الشيخ مالك المحمودى، قم، بي تا.

ذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، تحقيق: د. عمر عبد السلام تدمري، دار الكتاب العربي - لبنان، بيروت، ١٤٠٧ ق/ ١٩٨٧ م.

-----، سير أعلام النبلاء، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤١٣.

-----، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض والشيخ عادل أحمد عبد الموجود، دار النشر: دار الكتب العلمية، بيروت، ١٩٩٥ م.

رافعي، عبد الكريم بن محمد، التدوين في أخبار قزوين، تحقيق: عزيز الله العطاري، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٩٨٧ م.

زرندی، محمد بن يوسف، نظم درر السمطين في فضائل المصطفى والمرضى والبتول والسبطين، تحقيق علي عاشور، دار احياء التراث العربي، بيروت، بي تا.
سيوطي، جلال الدين، الدر المنثور، دار الفكر، بيروت، ١٩٩٣ م.

شوكاني، محمد بن علي، نيل الأوطار من أحاديث سيد الأخيار شرح منتقى الأخبار، دار الجيل، بيروت، ١٩٧٣ م.

شيباني، أبو بكر أحمد بن عمرو بن الضحاک، الأحاد والمثاني، تحقيق: د. باسم فيصل أحمد الجوابرة، دار الراجية، الرياض، ١٤١١ ق/ ١٩٩١ م.

شيباني، أحمد بن حنبل، فضائل الصحابة، تحقيق: د. وصي الله محمد عباس، دار النشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤٠٣ ق/ ١٩٨٣ م.

-----، مسند الإمام أحمد بن حنبل، دار النشر: مؤسسة قرطبة، مصر، بي تا.

شيباني، عمرو بن أبي عاصم، السنة، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، دار النشر: المكتبة الإسلامية، بيروت، ١٤٠٠ م.

شامي، يوسف بن حاتم، الدر النظيم في مناقب الأئمة اللهاميم، قم، بي جا، ١٤٢٠ ق.

عاملي، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت، بي جا، ١٤٢٥ ق.

-----، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، قم، بي جا، ١٤٠٩ ق.

صالح الشامي، محمد بن يوسف، سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٤ ق.

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، قم، بي جا، ١٤٠٤ ق.

صفدي، صلاح الدين خليل بن أيبك، الوافي بالوفيات، تحقيق: أحمد الأرنؤوط وتركی مصطفى، دار احياء التراث، بيروت، ١٤٢٠ ق/ ٢٠٠٠ م.

طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الأوسط، تحقیق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبدالمحسن بن إبراهيم الحسینی، دارالحرمین، القاهرة، بی تا.

-----، المعجم الكبير، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، دارالنشر: مكتبة الزهراء، الموصل، ۱۴۰۴ ق/ ۱۹۸۳ م.

طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، بی جا، ۱۴۰۳ ق.

طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، بی جا، ۱۳۹۰ ق.

طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، المسترشد فی إمامة علی بن ابی طالب عليه السلام قم، بی جا، ۱۴۱۵ ق.

طبری آملی، عمادالدین أبی جعفر محمد بن أبی القاسم، بشارة المصطفى لشيعة المرطضى، نجف، بی جا، ۱۳۸۳ ق.

طبری أبو جعفر، أحمد بن عبد الله بن م حمد، الرياض النضرة فی مناقب العشرة، تحقیق: عيسى عبد الله محمد مانع الحميرى، دارالغرب الإسلامی، بیروت، ۱۹۹۶ م.

-----، ذخائرالعقبی فی مناقب ذوی القربى، دارالکتب المصریة، مصر، بی تا.

طحاوی، أحمد بن محمد بن سلامة، شرح مشكل الآثار، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، دار النشر: مؤسسة الرسالة، لبنان/ بیروت، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۷ م.

طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، قم، بی جا، ۱۴۱۴ ق.

طیالسی، سلیمان بن داود، مسند أبی داود الطیالسی، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.

عاصمی، عبد الملك بن حسین، سمط النجوم العوالی فی أنباء الأوائل والتوالی، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود- علی محمد معوض، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۹ ق/ ۱۹۹۸ م.

عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر، الإصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق: علی محمد البجاوی، دارالجيل، بیروت، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م.

-----، تهذيب التهذيب، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۴ ق/ ۱۹۸۴ م.

عسقلانی، شهاب الدین أحمد بن علی بن محمد، النکت الظراف علی الأطراف، تحقیق: عبد الصمد شرف الدین، زهير الشاويش، دارالنشر: المكتب الإسلامی، بیروت/ لبنان، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.

شیرازی، محمد طاهر القمی، الأربعین فی إمامة الأئمة الطاهرين، تحقیق السيد مهدي الرجائي، قم المقدسة، بی تا.

عنبری الملحمی، أبوبکر أحمد بن محمد، مجلسان لأبی بکر، مخطوط تُشر فی برنامج جوامع الكلم المجانی التابع لموقع الشبكة الإسلامية، ۲۰۰۴ م.

عيني، بدرالدين محمود بن أحمد، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، داراحياء التراث العربى، بيروت، بى تا.

فتال نيشابورى، محمد بن احمد، روضة الواعظين وبصيرة المتعظين، ايران، قم، بى جا، ١٣٧٥ ش.

فيض كاشانى، محمد محسن بن شاه مرتضى، الوافى، اصفهان، بى جا، ١٤٠٦ ق. -----، تفسير الصافى، تهران، بى جا، ١٤١٥ ق.

قارى، على بن سلطان، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، تحقيق: جمال عيتانى، دار الكتب العلمية، لبنان/بيروت، ١٤٢٢ ق/٢٠٠١ م.

قطب الدين راوندى، سعيد بن هبة الله، قصص الأنبياء ﷺ مشهد، بى جا، ١٤٠٩ ق.

قمى، محمد بن حسن، العقد النضيد والدرز الفريد فى فضائل أمير المؤمنين واهل بيت النبى ﷺ التحقيق: على أوسط الناطقى، قم، دار الحديث، ١٤٢٢ ق.

قندوزى حنفى، سليمان بن إبراهيم، ينابيع المودة لذوى القربى، تحقيق سيد على جمال أشرف الحسينى، دار الأسوة للطباعة والنشر المطبعة، بى جا، بى تا.

كشى، محمد بن عمر، رجال الكشى مع تعليقات ميرداماد الأستريابادى، قم، بى جا، ١٣٦٣ ش.

كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، اسلاميه، تهران، ١٤٠٧ ق.

كوفى، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الكوفى، تهران، بى جا، ١٤١٠ ق.

كوفى، محمد بن سليمان، مناقب الإمام أمير المؤمنين على بن ابيطالب ﷺ تحقيق: الشيخ محمد باقر المحمودى، قم، بى تا.

كاشانى، ملافتح الله، تفسير كبير منهج الصادقين فى الزام المخالفين، بى جا، ١٣٣٣ ش.

گنجى شافعى، محمد بن يوسف، كفاية الطالب فى مناقب على بن ابى طالب، تحقيق و تصحيح: محمد هادى امينى، دار احياء التراث اهل البيت، بى جا، ١٤٠٤ ق.

ماحوذى بحرانى، سليمان بن عبدالله، الأربعون حديثاً فى إثبات إمامة أمير المؤمنين ﷺ تحقيق السيد مهدي الرجائى، قم، بى جا، ١٤١٧ ق.

مباركفورى، محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم، تحفة الأحوذى بشرح جامع الترمذى، دار الكتب العلمية، بيروت، بى تا.

مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوار، بيروت، بى جا، ١٤٠٣ ق.

-----، مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، تهران، بى جا، ١٤٠٤ ق.

-----، روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، قم، بى جا، ١٤٠٦ ق.

مرعشى نجفى، سيد شهاب الدين، شرح إحقاق الحق وإزهاق الباطل، تصحيح: السيد إبراهيم الميانجى، منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، قم، بى تا.

هاشمى خوبى، ميرزا حبيب الله، منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغة، تهران، ١٤٠٠ ق.

مزي، يوسف بن الزكى، تهذيب الكمال، تحقيق: د. بشار عواد معروف، دارالنشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤٠٠ ق/١٩٨٠ م.

محمد بن هارون الرويانى أبوبكر، مسند الرويانى، أيمن على أبويمانى، دارالنشر: مؤسسة قرطبة، القاهرة، ١٤١٦ ق.

مفيد، محمد بن محمد، الأمالى، قم، بى جا، ١٤١٣ ق.

مناوى، عبد الرؤوف، فيض القدير شرح الجامع الصغير، المكتبة التجارية الكبرى، مصر، ١٣٥٦ ق.

ميرخواند، محمد بن خاوند، تاريخ روضه الصفا فى سيره الانبياء والملوك والخلفاء، تصحيح وتحشيه جمشيد كيان فر، انتشارات اساطير، بى تا.

نسائى، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن، السنن الكبرى، تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البندارى، سيد كسروى حسن، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤١١ ق/١٩٩١ م.

-----، خصائص أمير المؤمنين على بن ابى طالب، تحقيق: أحمد ميرين البلوشى، دار النشر: مكتبة المعلا، الكويت، ١٤٠٦ ق.

-----، فضائل الصحابة، دار النشر: دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤٠٥ ق.

-----، السنن الكبرى، دارالكتب العلمية، تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البندارى، سيد كسروى حسن، بيروت، ١٤١١ ق/١٩٩١ م.

نيسابورى حاكم، محمد بن عبد الله، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤١١ ق/١٩٩٠ م.

نورى، حسين بن محمد تقى، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم، بى جا، ١٤٠٨ ق.

هلالى، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس الهلالي، ايران، قم، بى جا، ١٤٠٥ ق.

هندى المتقى، كنز العمال، تحقيق: الشيخ بكرى حيانى - تصحيح وفهرست: الشيخ صفوة السقا، مؤسسة الرسالة، بيروت - لبنان، ١٤٠٩ ق/١٩٨٩ م.

هيثمى، على بن أبى بكر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، دار الريان للتراث/ دارالكتاب العربى، القاهرة/ بيروت، ١٤٠٧ ق.

حديث الولاية في تراث الفريقين

حسين الاسكندري^١

الخلاصة:

تعتبر مسألة الإمامة وقيادة الأمة من المسائل المهمّة التي وقع الخلاف فيها من صدر الإسلام؛ فقد ذهب عدّة إلى أن تعيين الإمام ليس إلا بالنصّ عليه من الله عزوجل، يبلغه عنه النبيّ الكريم ﷺ، وذهب آخرون إلى أنّ التعيين بالشورى، وأنّ النبيّ ارتحل إلى الرفيق الأعلى ولم يعين خليفة!!

والذين قالوا: إنّ تعيين الإمام بالتنصيص من الله تعالى على خلافة أمير المؤمنين (عليه السلام)، أبلغه رسول الله ﷺ عن الباري، استدّلوا بعدّة أحاديث مأثورة عن النبيّ الأكرم ﷺ، من أهمّ تلك الأحاديث: حديث الولاية.

هذه المقالة: عبارة عن دراسة حول حديث الولاية، مع التركيز على معرفة أنواع محتوى الحديث ومضمونه، وطرقه، وأنحاء صدوره، وكذلك المقايسة بينه وبين سائر الأحاديث المشابهة لحديث الولاية.

لقد ورد حديث الولاية والأحاديث المشابهة له عن طريق أربعين صحابياً من صحابة رسول الله ﷺ، ومن هذه الطرق ثلاثة عشر طريقاً من الطرق المشتركة بين الفريقين، وستة طرق من مصادر أهل السنة، وأحد وعشرون طريقاً من مصادر الشيعة، يرجع بعضها إلى أصحاب رسول الله ﷺ، والبعض الآخر إلى أصحاب أهل البيت (عليهم السلام).

واحتوت هذه الأحاديث كلّها على تسعة أنواع من المضامين والمحتوى، واثنى عشر نوعاً من أنحاء الصدور مشتركة بين الفريقين، وهمانية مختصة بالشيعة، وثلاثة أحاديث مشابهة لحديث الولاية.

المفردات الأساسية: حديث الولاية، معرفة أنواع الطرق، أنحاء الصدور، التراث.

١. باحث في الحوزة العلمية بقم المقدسة، وخريج مركز الإمامة التخصصية: (eskandarihoseyn@yahoo.com).

The Guardianship Tradition in the written legacy of the Shia and Sunni

Hussein Eskandari ¹

Abstract

From the early days of Islam, the most important issue among Muslims is the leadership and Imamate of the Islamic nation. Some hold the divine appointment of Imam and its conveyance by the Prophet Muhammad (pbuh) while some others consider Imamate and people's consultation and selection entangled and claim that the Prophet Muhammad (pbuh) passed away and introduced nobody as his successor!

For the claim of immediate vicegerency by the Prophet Muhammad (pbuh), claimers for the appointment of Imam and its conveyance by the Prophet Muhammad (pbuh) have relied on the traditions narrated from the Prophet Muhammad (pbuh) of which the most important is a narration known as the Guardianship Tradition.

In this article, we will investigate the typology of content, chain and diversity of procession of this tradition and its similar traditions.

Guardianship Tradition and its similar traditions have 40 chains from the companions of the Prophet Muhammad (pbuh) and the Household (A.S.). Among the chain, 13 of them are common between the Shia and Sunni, 6 chains belong to the Sunni sources and 21 chains to the Shia sources- which some of them are narrated by the companions of the Prophet Muhammad (pbuh) and some others by the companions of the Household (A.S.). Totally, all these traditions have nine types of content and twelve types of procession which four types of its procession is common between Shia and Sunni and eight types belong to the Shia and three independent uniform traditions.

Keywords: Guardianship Tradition, typology of chain, diversity of procession, written legacy.

1. Qom Seminary graduate and the graduate of the Imamate of the Household (A.S.) specialized center (eskandarihoseyn@yahoo.com).